

اشاره

تحلیل محتوا فنی است برخاسته از تحقیق در ارتباطات و بالقوه یکی از مهمترین فنون تحقیق در علوم اجتماعی به‌شمار می‌رود. در این روش تلاش می‌شود تا داده‌های زمینه‌ای خاص یا توجه به معنای آن که یک شخص، یک گروه یا یک فرهنگ به آنها انتساب دارد، تحلیل گردند. وسایل ارتباطی، پیامها و نمادها، خصوصیتی از حاملان یا پدیدآورندگان اولیه خود را نمایش می‌دهند و پیامدهای شناختی برای فرستندگان و گیرندگان خود و نیز نهادهایی که مبادله این پیامها در آنها صورت می‌گیرند؛ به‌همراه دارند.

فنون تحقیق اجتماعی غالباً روشهایی هستند برای مشاهده محرک و پاسخ. در این روشها به توصیف رفتارهای آشکار پرداخته می‌شود، خصوصیات افراد از یکدیگر تفکیک می‌گردد، و در نهایت کار کمی ساختن شرایط اجتماعی و آزمون فرضیه‌های مربوط به آنها انجام می‌گیرد. اما، روش تحلیل محتوا، از وسایل ارتباطی که بی‌واسطه قابل مشاهده هستند، فراتر می‌رود و بر خصوصیات نمادین آنها دریافتن سابقه، عوامل همبستگی یا پیامدهای ارتباطات اتکاء دارد، و به این ترتیب امکان تحلیل زمینه‌های [مشاهده‌نشده] داده‌ها را فراهم می‌سازد. شرط انتقادی و روش شناختی هرگونه تحلیل محتوایی توجیه مرحله استنتاجی است که باید بدان پرداخت.

کلاوس کریپندورف  
ترجمه محمدسعید نکایی

تحلیل محتوا را از نظر شکل باید فنی برای دستیابی به استنتاجات قابل بسازنمایی Replicable و معتبر از داده‌های متن و زمینه آنها دانست. این تعریف، تعاریف برنارد برلسون را که تحلیل محتوا را با توصیف علمی از محتوای ارتباطات برابر می‌داند و نیز تعریف هارولد لاسول را که تحلیل محتوا را «کمی‌سازی محتوای مورد انتقال پیامها» می‌داند، دربرمی‌گیرد. آل.آر.هلستی در تعریف تحلیل محتوا پیش زمینه‌هایی مثل «چه کسی» (منبع ارسال پیام)، «چرا» (فرایند رمزبازی)، «چگونگی» (مجرای ارتباطی) و نتایج یا تأثیرات پیام بر «مخاطبین» را اضافه می‌کند.

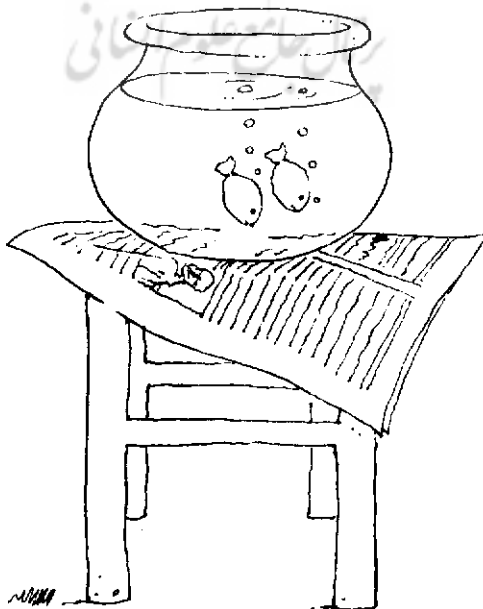
اگرچه امروزه تصورات معمول از محتوا (نوع پیام) و زمینه‌های ارتباط (پیام توسط چه کسی و به چه کسی می‌رسد) در تحلیل محتوا رایج هستند، در تعریف رسمی آن، شرایط و زمینه‌های ارتباطی دیگر مثل شرایط روانکاوانه (شرایط روان‌شناختی که گزاره خاصی را تبیین می‌سازند)، نمادی (منافع اجتماعی و اقتصادی که اساس یک برنامه خاص تلویزیونی را تشکیل می‌دهند)، و فرهنگی (کارکردهایی که آداب خاص فرهنگی را عهده‌دار هستند) نیز قرار دارند.

### داده‌های مورد استفاده در تحلیل محتوا

مشخص‌ترین منبع داده‌های مناسب برای تحلیل محتوا متونی هستند که معانی به‌صورت متعارف به آنها انتساب می‌یابند. سخنرانیهای شفاهی، اسناد کتبی و جلوه‌های تصویری از جمله این منابعند. رسانه‌های جمعی مشخص‌ترین زمینه برای چنین تحلیلی هستند و عرصه ادبیات متأثر از تحلیل محتوای روزنامه‌ها، کتابها، گزارشهای رادیویی، فیلمها، نمایشهای کمدی و برنامه‌های تلویزیونی است. با این حال از این فن در مورد داده‌هایی که عمومیت کمتر دارند نیز به‌طور فزاینده استفاده می‌شود. نامه‌های شخصی، گسفت‌وگری کودکان، مذاکرات خلع سلاح، شهادت شهود در دادگاه، گزارشهای سمعی و بصری از جلسات درمانی، پاسخ به سؤالات مصاحبه‌های عمومی و آزاد و کنفرانسهای کامپیوتری در این دسته قرار می‌گیرند. داده‌هایی که تنها برای گروههای کوچکی از کارشناسان معنی‌دار هستند نیز در این مقوله مورد بررسی قرار می‌گیرند که از جمله آنها می‌توان به تمبرهای پستی، طرحهای نقش بسته بر روی کوزه‌های سفالی قدیمی، اختلالات هنگام سخنرانی،

# تجزیه و تحلیل محتوا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



فرسایش و پارگی کتابها و تحلیل خواب اشاره کرد. در هر حال هر چیزی را که به حد کافی فراوان باشد و از معانی نسبتاً ثابتی در نزد گروهی از افراد برخوردار باشد می‌توان تحلیل محتوایی کرد.

### موارد استفاده از تحلیل محتوا

از تحلیل محتوا به ندرت برای توصیف ساخت ادبی محتوای ارتباطات استفاده می‌شود. پیدا کردن موارد استفاده از کلمات زشت در بخش برنامه‌های رادیویی یا جمله‌بندی دقیق از تعهدات تبلیغاتی سیاستمداران را باید مواردی استثنا دانست. استفاده منظم از داده‌های تحلیل محتوا، امکان پذیرش استنتاجاتی را که فراتر از فهم و درک متنی دشوار هستند، تا اندازه‌ی زیاد فراهم می‌سازد. خوانندگان معمولی (شامل محققان ادبی) معمولاً با مطالعه حجم زیادی از مطالب خواندنی، چشم‌انداز خویش را تغییر می‌دهند و در حمایت از فرضیه‌های مورد نظر خود نوعی ادراک انتخابی را به کار می‌بندند. تحلیل محتوا نه تنها بخت و امکان توجه و پرداختن یکسان به همه واحدهای تحلیل را - خواه در آغاز متن آورده شوند و خواه در پایان - فراهم می‌سازد؛ بلکه به علت بی‌توجهی به فرد تحلیل‌کننده یا مکان و زمان تحلیل، نوعی عینیت Objectivity را نیز به کار می‌بخشد. به علاوه تحلیل محتوا این امکان را به محققان می‌دهد تا چارچوب مورد نظر خویش را در تحقیق به کار بندند، و در نتیجه باب مجموعه‌ای غنی از سازه‌های Constructs اجتماعی علمی گشوده می‌گردد که بر اثر آن متون نامأنوس برای یک گروه فرهنگی، محتوایی معنی‌دار پیدا می‌کنند. دو خصیصه فوق این امکان را برای یک تحلیل‌گر محتوا فراهم می‌سازند تا توصیفی جمعی از استنتاجات ذهنی را براساس مجموعه وسیعی از داده‌ها ارائه کند. این داده‌ها نشان‌دهنده روندها، الگوها و تفاوت‌هایی هستند که پی‌بردن به آنها در این مرحله تنها برای افراد آموزش دیده میسر است.

### مطالعه در محتوای رسانه‌ها

دریافت میزان اهمیت نویسندگان، پدیدآورندگان آثار، رسانه‌ها یا حتی کل فرهنگها به مقولات موضوعی خاص احتمالاً باید گسترده‌ترین موارد استفاده از تحلیل محتوا تلقی گردد. برای چنین استنتاجی معمولاً فراوانی و یا میزان تکرار موضوع مورد توجه، قرار می‌گیرد. به عنوان مثال چگونگی تبیین در

پرداخت روزنامه‌ها به مقولات خبری در طول زمان، نحوه ورود آگهیهای تبلیغاتی در پوشش مسائل مذهبی و نیز نحوه سبقت‌جویی اخبار مربوط به ورزش و جرایم بر اخبار فرهنگی را می‌توان نمونه‌های اولیه‌ای از موارد تحلیل محتوا دانست. دسته دیگر تحلیل‌گران تلاش کرده‌اند تا میزان تفاوت در توجه و نوع پوشش روزنامه را با توجه به قومیت، میزان خواندنی بودن مطالب، مسائل اقتصادی و مطالبی از این قبیل تبیین کنند. انگیزه انجام بسیاری از این مطالعات احساس رعایت‌نشدن معیارهای روزنامه‌نگاری به‌طور کامل است. مثلاً در بسیاری از مطالعات تحلیل محتوا که با هدف آشکار ساختن نابرابری در پوشش خبر طرفین یک منظره عمومی و فقدان توازن، و برخورد طرفدارانه نسبت به یک مسأله یا شخصیت عمومی و یا کشور خارجی انجام می‌گیرند رعایت انصاف Fairness مورد تأکید و تأیید واقع می‌شود. هدف، در بسیاری از تحقیقات اجتماعی،

آماره) منعکس در تلویزیون در مقایسه با خصوصیات مخاطبین مشابه نشانگر اغراض خاص و قابل ملاحظه‌ای بودند مطالعاتی که در مورد نوع شدت و تداول خشونت تلویزیونی، گرایش نسبت به جنگ، نقشهایی که زنان در سریالهای مردمی پذیرا هستند و مباحثاتی که هنگام فروش کالا یا خدمات صورت گرفته است، مبنای را برای نقد فرهنگی فراهم ساختند و به آگاهی عامه مردم از نحوه آفرینش اعتقادات خاص و نیز تقویت پیشداوریهای موجود توسط رسانه‌ها کمک کردند.

تحلیل محتوای منابع و مراجع خبری برای کشورهای خارجی در رسانه‌های گوناگون ملی، عدم توازن قابل ملاحظه موجود در جریان خبری بین‌المللی و میزان توجه به آن را نشان داد. همچنین ایجاد نظامها و روشهایی برای ارزیابی محیط نمادین یک مؤسسه از طریق تحلیل محتوای گزارشهای مطبوعات در مورد مسائل خاص؛ گرایش مورد توجه عامه مردم به آن مؤسسه؛ انجام آزمایشهای تجربی در روابط

## ■ مراحل شش‌گانه تحلیل محتوا عبارتند از: طرح، واحدبندی، نمونه‌گیری، رمزشدهی (کدگذاری)، استخراج نتایج و معتبرسازی.

## ■ دو محدودیت مهم تحلیل محتوا عبارتست از تعهد آن به تصمیم‌گیری علمی و ضرورت قابلیت بازنمایی.

عمومی؛ نشان دادن تغییرات مهم پدیدآمده در تصور مردم از تولید مؤسسه، شرایط رقابت و مسائل دیگر را در پی داشته است.

در دادگاههای آمریکا در مورد پرونده‌های سرقت ادبی Plagiarism و تخلفات حق چاپ و نیز در پرونده مشهوری که دربرگیرنده هویت دفاتر خبر خارجی فعال در ایالات متحده است از شواهدی استفاده شده که با تحلیل محتوا به دست آمده‌اند. استنتاجاتی که در مورد آن پرونده به عمل آمدند براساس آزمونهایی متفاوتی بودند که دسترسی به اطلاعات، همسویی با تبلیغات (خارجی)، بیان نشده و رویگردانی از منابع خبری بی‌طرف را نشان می‌دادند.

### جمع‌آوری اطلاعات سری و مطالعات سیاسی

شناخت دولتها در مورد تحولات سیاسی در کشورهای خارجی غالباً براساس ارتباطات است که این ارتباطات به شکل مکاتبات دیپلماتیک، پخش برنامه‌های سمعی و بصری،

پی‌بردن به میزان توجهی است که بر پدیده، اندیشه یا گرایشی خاص معطوف می‌شود. در یکی از مطالعات اولیه تحلیل محتوا میزان تغییراتی که در تصویر قهرمانان مردمی در مجلات تخیلی در طی یک دوره چهار ساله پدید آمده بود، به دست آمد. براساس نتیجه این مطالعه تصویر ارائه‌شده از این قهرمانان از مدیران تاجر Entrepreneurs به افراد سرگرم‌کننده تغییر کرده بود. به همان‌سان با استفاده از این شیوه در رسانه‌های متفاوت و در طول زمان، تصویر معلمان، دانشمندان، افسران پلیس و سیاستمداران هم به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. در یک تحلیل محتوای جهانی در مورد مظاهر یا نمادهای سیاسی در اسناد، گزارش‌های مربوط به اعمال نفوذ که در چند کشور به عمل آمد، کوشش شد تا تغییرات ساختاری در حکومتها تشخیص داده شوند و به پیشگویی انقلاب بپردازند. تحلیل خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، قومی و حرفه‌ای جمعیت (جامعه

تحلیلهای روزنامه‌نگاری در مطبوعات داخلی و یا سخنرانیهایی که به‌وسیله رهبران سیاسی غالباً به‌صورت ناخواسته برای تشریح این تحولات ایراد می‌گردند، انجام می‌پذیرد. اگرچه تحلیلگران سیاسی نوعاً کوششی جهت مشخص ساختن روشهای به‌کار برده شده برای نتیجه‌گیری از این داده‌ها به‌عمل نمی‌آورند ولی با این حال شواهدی وجود دارد که در آنها تحلیل محتوا شناختهای مهمی را به‌دست داده است. خطابه‌هایی که به‌وسیله اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست به مناسبت زادروز ژوزف استالین ایراد شد، ساخت قدرت در هیأت رئیس حزب کمونیست را آشکار ساخت و جانیشینی مورد انتظار وارثان قدرت را (که پس از مرگ استالین به اثبات رسید) آشکار ساخت. همچنین در خلال جنگ دوم جهانی استنتاجات در مورد شیوه جنگ در آلمان و تغییرات پدیدآمده در رابطه بین دول محور براساس برنامه‌های داخلی رادیو-تلویزیونی که به‌صورت منظم تحت نظارت بودند، استوار بود. به همان سان از سخنرانیهای ژوزف استالین که با هدف تقویت روحیه آلمان و نیز آماده ساختن مردم برای رویدادهای بعد ایراد شده بودند، به‌صورت موفقیت‌آمیزی برای کسب اطلاعاتی سری نظامی استفاده شد. استفاده از تحلیل محتوا برای ارزیابی رضایت یک کشور از توافقات محدودساختن سلاحهای استراتژیک پیشنهاد شده است.

در تحلیل محتوای پیامهای ارتباطی در شب جنگ اول جهانی، در خلال بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲) و نیز در منازعه شوروی با سنگاپور (اواخر دهه ۱۹۵۰)، از یک سبازه تعاملی استفاده شده است و بدین‌منظور بیانیه‌های دیپلماتیک و عمومی که رهبران

کشورهای درگیر در جنگ تسلیم کرده‌اند به عنوان یک مجموعه متوالی محرک و پاسخ قلمداد شده‌اند. علاوه بر موارد استفاده سیاسی فوق، تحلیل محتوا می‌تواند اطلاعات روشنی را در زمینه نوع ارزشهای مطرح شده و نیز گرایشهای نامزدهای منصبهای سیاسی در مورد مسائل خاص، و نیز تغییر این ارزشها و گرایشها را در واکنش به شرایط خاص و با توجه به مخاطبان آنها به دست دهد. تحلیلهای مقایسه‌ای بین کشورها تفاوت‌های موجود در ارزشهای رهبری و خواسته‌های نخبگان و مطالعات در مورد کرسیهای حزبی، سخنرانیهای پادشاه بریتانیا و شعارهای روز اول ماه مه شوروی، زمینه‌ساز توجه و علاقه به دانشمندان سیاسی بوده است. در کنار این موارد می‌توان به تلاشهای اولیه‌ای که برای تشخیص فنون تبلیغی و نیز شناسایی تبلیغ‌گرانی که از این فنون برای تضعیف قوه تشخیص عقلانی استفاده می‌برند اشاره کرد.

**کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و ادبیات**

در مطالعات روانشناسی فردی غالباً از پاسخهای شفاهی به سؤالات مصاحبه جلسات ضبط شده روانکاوی، یادداشتهای روزانه، نوشته‌ها و نامه‌ها استفاده می‌گردد. جست‌وجوی الگوی سخنرانی (نطق) که نشانگر آسیبهای خاص روانی است، فنی متداول است. آزمونهای فرافکن Protective Tests را که در آنها آزمودنیها به محرکی استاندارد شده پاسخ شفاهی می‌دهند و پاسخها در مرحله بعد مقوله‌بندی و شمارش می‌گردند در حقیقت باید نوعی تحلیل محتوا دانست. همچنین از تحلیل محتوا می‌توان برای پی‌بردن به حالات مختلف روانشناختی سخنران مثل

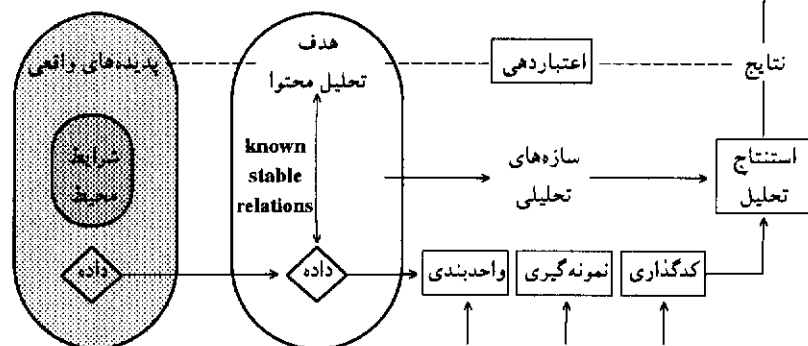
میزان اضطراب، براساس فراوانی اختلالات کلامی (بیانی) و یا جهان‌بینی خاص او براساس نوع اشتباهات منطقی که در طی صحبت خود مرتکب می‌گردد استفاده کرد. از سازه‌هایی که با استفاده از استنتاجات ثانوی به‌دست می‌آیند برای مطالعه و تحلیل یادداشتهای خودکشی، گفت‌وگوهای انفراد الکلی و نیز نطقهای شخصیت‌های تاریخی استفاده شده است. به همان سان برای بازسازی دینامیسمهای فردی و شخصیت نویسنده، نامه‌های شخصی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. گزارشهای شفاهی در مورد رؤیایها نیز منبع مشابهی برای کسب آگاهی به‌شمار می‌آیند که تحلیل محتوا امکان تحقیق منظم در مورد آن را فراهم می‌سازد. در آموزش و پرورش از تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل پیشداوریهای مربوط به وسایل تراژی و ملی متون کتاب استفاده شده است. از جمله موضوعهای تحلیل، می‌توان به نحوه تصویرسازی متفاوت از دشمنان پیشین در کتابهای تاریخ اشاره کرد. از جمله استفاده‌های مهم آموزشی از تحلیل محتوا می‌توان به کسب آگاهی از میزان خوانندگی بودن یا علاقه‌برانگیزی متن با توجه به نوع کلمات ساختارهای دستوری و علائم نقطه‌گذاری و موارد دیگر اشاره کرد.

ادبیات یک زمینه طبیعی تحلیل محتوا است. ساختار بسامد واژه‌ها و تحلیل استعاره‌های ادبی، علائم، موضوعات اجزای بیان سبکها، تفاوتها در سبکهای خاص و مخاطبین موردنظر همگی در حوزه مطالعات تحلیل محتوا قرار می‌گیرند اما به‌ندرت جزء این مطالعات در نظر گرفته می‌شوند. شناسایی آماری مؤلف ناشناخته یک کتاب را باید مورد استثنای جالبی دانست که در مورد متن کتاب قرون وسطایی سلوک مسیح De imitatione Christ و چند مورد از گزارشهای امضاننده فدرالیست Federalist و تفکیک بخشهای یک متن که توسط مؤلفان متفاوت نگاشته شده است به‌کار برده شد. از دیگر موارد می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: روشن ساختن تأثیرات ادبی، تلاشی برای تعیین تاریخ اسناد از طریق تحلیل سبکها و محتوای نوشته، تلاشی برای پی‌بردن به الگوهای پیشرفت در آثار ادبی یونان و جست‌وجو برای مضامینی که پرفروش‌ترین رمانها را از بقیه رمانها جدا می‌سازند.

تحلیل محتوا را شاید بتوان جزء لاینفکی از یک فعالیت تحقیقی، اجتماعی گسترده‌تر

زمینه ایجاد شده به‌وسیله تحلیل‌گر

با استفاده از دیگر وسایل تحلیلی



نمودار ۱ - (تحلیل محتوا) فرآیند تحقیق تحلیل محتوا (نمودار از کلاوس کریپیندورف)

دانت. به عنوان مثال برای به حداقل رساندن خطاهای مصاحبه گر، پاسخهای باز به سؤالیهای مصاحبه غالباً در معرض تحلیل محتوا قرار می گیرند تا توزیع فراوانی، مقیاسها، شاخصها یا متغیرهایی را که در مرحله بعد می توان آنها را با مشخصات قابل اندازه گیری مصاحبه شوندهگان مستقیماً در ارتباط گذاشت، به دست آید. در شیوه های مختلف آزمایشی (حل مسأله شبیه سازی Simulation، شبیه سازی درمانی) برای تفکیک انواع تعاملات شفاهی (کلامی) کمی ساختن سهم اعضا در این تعاملات و مفهوم سازی نقشی که آنها در جهت دهی پیدایش ساختهای اجتماعی برعهده دارند، از فن تحلیل محتوا در گروههای کوچک استفاده می کنند. همچنین از طریق همبسته سازی معرفها یا معیارهای (Measures) تحلیل محتوا، خشونت تخیلی تلویزیون با برآوردهای خشونت واقعی که از مطالعه بر روی تماشاگران حرفه ای و غیرحرفه ای به دست آمده است، تأثیرات رسانه های جمعی مورد مطالعه قرار گرفته است.



تحلیل را تشکیل می دهند. علاوه بر این ترسیم روشهای تجربی مورد استفاده، شرایطی را که تحت آنها استنتاجات حاصل از مشاهده را می توان معتبر دانست - سنجش آنچه مدعی اندازه گیری آن هستیم - دقیقاً مشخص می گرداند.

● **واحدبندی/Unitizing**: مرحله تعریف و نهایتاً شناسایی واحدهای تحلیل از میان داده های موجود را "واحدبندی" می گویند. واحدهای نمونه گیری امکان تنظیم یک نمونه معرف آماری از جامعه آماری را که ممکن است شامل کل کتابها، داستانهای تلویزیونی، شخصیتهای تخیلی، مقالات (رسانه ها) و تبلیغات باشد، در برمی گیرند. واحدهایی که هر یک دارای معنایی مستقل است، واحد ثبت Recording Unit گفته می شوند. مثلاً واحدها ممکن است به رخدادهای افراد یا کشورها،

■ **مشخص ترین منبع داده های مناسب برای تحلیل محتوا، متونی هستند که معانی، به صورت متعارف، به آنها انتساب می یابند؛ سخنرانیها، اسناد کتبی و جلوه های تصویری از جمله این منابعند.**

■ **در نتیجه تحلیل محتوا، متون نامأنوس برای یک گروه فرهنگی، محتوایی معنی دار پیدا می کند.**

اظهارات ارزیابی کننده و گزاره ها و مضامین ارجاع شوند.

● **نمونه گیری**: با اینکه فرآیند استخراج نمونه های معرف را نباید از مراحل طبیعی تحلیل محتوا دانست اما با این حال لازم است که:

۱. خطاهای آماری را که در بیشتر مطالب نمادین مورد تحلیل نهفته اند از میان برداشت. مثلاً گرایتهای افراد مهم در رسانه های جمعی بیشتر منعکس می شوند تا گرایش عامه مردم؛
۲. باید اطمینان حاصل کرد که سلسله مراتب غالباً شرطی واحدهای انتخاب شده نمونه گیری (مثل نشریات، تاریخهای روزنامه، تعداد صفحات، مقالات، بندها، کلمات) معرف سازمان پدیده های نمادینی مورد مطالعه باشند.

● **رمزدهی (کدگذاری)/Coding**: مرحله توصیف واحدهای ثبت شونده و یا طبقه بندی آنها برحسب مقولات سازه های تحلیلی انتخاب شده را "رمزدهی" گویند. این مرحله در حقیقت بازنمای تصور اولیه از معنی است و آن را می توان هم از طریق آموزشهای صریح به کدگذاران آموزش دیده و هم از راه کدگذاری کامپیوتری انجام داد. دو اصل معیار ارزیابی و

شاخصی برای محبوبیت یا اهمیت آنها قلمداد می شد. با رتبه بندی ای که نویسنده متن برای اهمیت این رؤسای جمهور قائل شده بود، همبستگی قابل قبولی را به دست نداد. نکته فوق زبان استفاده از شاخصها و اهمیت اعتبار دادن به هر نوع تحلیل محتوا را نشان می دهد.

**مراحل و معیارهای انجام تحلیل محتوا**  
تحلیل محتوا عموماً از شش مرحله تشکیل می شود که این مراحل به صورت منظم استفاده از این فن را مشخص می سازند.

● **طرح/design**: طرح مرحله مفهومی است که در آن تحلیلگران به تعریف زمینه کار خود و نیز آنچه مستقیماً امکان مشاهده آن را ندارند و خواهان آگاهی از آنند، می پردازند. همچنین در این مرحله تحلیلگران به جست و جوی منبع اطلاعات مهم که ممکن است در دسترس باشند و یا امکان دسترسی به آنها وجود داشته باشد، پذیرش یک سازه تحلیلی که دانش موجود در زمینه رابطه داده و متن را فرمول بندی می کند و مرحله استنتاجی ناشی از حرکت از یک زمینه به زمینه دیگر را در بردارد، اقدام می کنند. سه مشخصه اصلی فوق چارچوب

تحلیل محتوا را همچنین می توان به موازات دیگر فنون تحقیق به کار برد و اعتبار هر نوع یافته را کنترل و یا روشن ساخت. به عنوان مثال در مقایسه ای که بین آمار واقعی جرم در یکی از شهرهای ایالات متحده، نظرسنجی در مورد میزان نگرانی ساکنان این شهر نسبت به خشونت و تحلیل محتوای پوشش جرایم در روزنامه های محلی به عمل آمد، میزان نگرانی مردم و پوشش جرایم در روزنامه همبستگی معنی داری را نشان داد. به این ترتیب روشن گردید که دو متغیر فوق هر دو بیانگر پدیده ای مشابه هستند که تنها به صورتی حاشیه ای با حقایق در ارتباطند. تحلیل محتوای مقالات (رساله های) که به وسیله دانشجویان نوشته شده اند نتایجی را به دست داد که با یافته های به دست آمده از پرسشنامه گرایش سنجی که به وسیله همان دانشجویان تکمیل شده بود شباهتی قابل ملاحظه ای داشت. چنین مشابهتهایی اطمینان تحلیلگران را نسبت به اعتبار یافته هایشان افزایش می دهند و توجیهی برای قابلیت جانشینی فنون هستند. از سوی دیگر مطالعه ای که برای یافتن همبستگی قوی در بین شیوه های گوناگون شمارش مراجع برای رؤسای جمهور ایالات متحده انجام شد و عموماً به عنوان

رسانه‌ها هستیم؟ و بالاخره اگر امکان مصاحبه مثلاً با کیندی فراهم بوده است، چرا به دنبال کسب آگاهی از گرایشهای رو به تغییر کندی در خلال بحران موشکی کوبا با استفاده از پیامهای ارتباطی او بودیم؟ در هر حال پیش از انجام تحلیل محتوا باید شواهد اعتباردهنده را حداقل در مورد یافته‌ها به دست داد.

● **محدودیت‌های تحلیل محتوا:** فن تحلیل محتوا علیرغم داعیه تعمیم‌پذیری خود، از محدودیت‌های ذاتی برخوردار است. اولین محدودیت از تعهد آن به تصمیم‌گیری علمی نشأت می‌گیرد. یافته‌های معنی‌دار آماری، مستلزم واحدهای تحلیل بسیار هستند و جست‌وجوی چنین یافته‌هایی معادل با یک تعهد کمی‌گرایانه است. چنین خصیصاتی انگیزه‌ای برای تحلیل ارتباطات ویژه یا گفتارهای متصل به هم (غیرجداشونده) است که مشخصه تحقیقات ادبی، تاریخی یا روانکاوانه است.

دومین محدودیت از ضرورت قابلیت بازنمایی ناشی می‌شود. این قاعده مستلزم تعیین رده‌های ثابت و مستقل از مشاهده‌گر و نیز دستورالعملهایی است که باید آنها را بدون توجه به تحلیگر و موضوع مورد تحلیل گذرانداری کرد. استفاده از تحلیل محتوای کامپیوتری ناشی از چنین محدودیتی است. با استفاده از کامپیوتر داده‌ها در زمینه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که تفاسیر ثابت و واضحی را دربردارند و امکانی را برای داده‌هایی که معانی آنها در فرآیند ارتباطات تغییر می‌کنند و نیز تغییراتی که مشخصه ارتباط برقرارکنندگان مختلف و یا گروه‌های اجتماعی درگیر است فراهم نمی‌سازد. چنین ابهاماتی در رسانه‌های سیاسی و شخصی متداولند.

تحلیل محتوا مستلزم مشارکت در انباشت نظریه اجتماعی است و این خود سومین محدودیت آن است. اگر مقولات (رده‌ها) از خود اطلاعات تحلیل شده به دست آیند، در آن صورت یافته‌ها فقط برای اطلاعات موجود قابلیت تعمیم دارند. اگر این یافته‌ها از یک نظریه کلی گرفته شده باشند، در آن صورت غنای نمادین و خاص بودن داده‌های موجود غالباً نادیده گرفته می‌شود. در هر حال پوشش این محدودیتها غالباً با دشواری همراه است.



■ **در آموزش و پرورش از تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل پیش‌داوریهای مربوط به جنس، مسائل نژادی و ملی متون کتاب‌ها استفاده شده است.**

■ **از طریق تحلیل محتوا می‌توان اعتبار هر نوع یافته را در کارهای تحقیقی، کنترل و یا روشن ساخت.**

مستمع را متجلی می‌سازند؛ سؤالاتی هستند که باید با روشهایی مستقل پاسخ داده شوند. همچنین لازم است که چنین سازه‌های تحلیلی بسیار ساده باشند. تحلیلگران در استخراج اطلاعات سری نظامی از منابع خبری دشمن از "نقشه‌های" دقیق روابط شناخته شده که شامل نقش و تضادهای میان رهبری ملی و جمعیت مخاطب می‌گردد، استفاده می‌کنند. به همین سان سبکهای خاص استدلال افراد از چند سطح تشکیل می‌شود که هر سطح از سازه‌های روانشناختی دقیق تشکیل می‌شود.

● **معتبرسازی/Validation:** معتبرسازی آمال و غایت هرکار تحقیقی است. با وجود این جهتگیری تحلیل محتوا به استنتاج از آنچه مستقیماً قابل مشاهده نیست و در دست نبودن شواهد اعتباردهنده معتبرسازی نتایج تحلیل محتوا را محدود می‌سازد. مثلاً باید پرسید که با وجود آگاهی قبلی از فعالیتهای برنامه‌ریزی شده چرا باز به دنبال به دست آوردن اطلاعات سری نظامی از تبلیغات دشمن هستیم؟ و یا با وجود قابلیت اندازه‌گیری مستقیم نوع موضوعات مورد توجه رسانه‌ها چرا به دنبال استنتاج و آگاهی‌یابی از موضوعات مورد توجه

روایی Reliability که از طریق توافق بین کدگذاران [و تشخیص آنها] از اهمیت یا بی‌اهمیتی مقولات سنجیده می‌شود، می‌شود، غالباً در تعارض با یکدیگرند. کدگذاران انسانی معمولاً از روایی برخوردار نیستند اما در مقابل در تفسیر متون پیچیده از نظر معنی‌شناسی دارای استعدادند. کامپیوتر مشکل روایی را ندارد اما باید برای شبیه‌سازی بخش اعظم استعداد زبانی یک سخنران بومی به آن برنامه داد. پیشرفتهای عمده و قابل ملاحظه در استفاده از کامپیوترها و کاربرد آنها معمولاً معیار "معنی‌داری" را فدای روایی و سرعت می‌کند.

● **استخراج نتایج:** مهمترین مرحله در تحلیل محتوا نتیجه‌گیری است. این مرحله در واقع کسب شناخت ثابت در مورد نحوه پیوستگی توضیح متغیر از داده‌های کدگذاری شده با پدیده‌ای است که محقق خواهان آگاهی از آن است. مراحل لازم برای نتیجه‌گیری معمولاً روشن نیستند. اینکه فراوانی مراجع چگونه نشانگر توجه یک منبع به موضوع مورد توجه خود است، کدام سبک خاص ادبی منحصراً شناساننده یک مؤلف خاص است و نحوه‌ای که تمایلی به صفات خاص کلامی سخنران یا